

69

OR [REDACTED] FE

Case No. B72

filing: 16 dec 86

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 16 dec 86
_____ pages in English 9 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. B72

Chamber Two

پرونده شماره ب - ۷۲

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۷۲ ب - ۲۷۶

دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحد

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران - ایالات متحد
ثبت شد - FILED	
۱۳۶۵ / ۹ / ۲۵	
16 DEC 1986	
B72	

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل



دانشگاه ایالتی علوم و تکنولوژی آیوا،
خواهان،

- و -

وزارت فرهنگ و آموزش عالی و

جمهوری اسلامی ایران،

خوانندگان.

||
||
||

اول - مقدمه و سابقه امر

۱ - ادعا بابت ۷۳۰ دلار شهریه و سایر مخارجی است که در ارتباط با تحصیل یکی از اتباع ایران، بنام آقای داوید سرکیس ("دانشجو") که از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ در دانشگاه دولتی علوم و تکنولوژی آیوا ("خواهان") در ایالات متحده شاغل به تحصیل بوده، حسب ادعا بر ذمه وزارت فرهنگ و آموزش عالی ("خواننده") بوده و معوق است.

۲ - دولت ایالات متحده بدواً این ادعا را طبق بند ۳ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی به عنوان ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطرح نمود و بعداً طی دادخواست تکمیلی خود که در اول اکتبر ۱۹۸۴ (۹ مهرماه ۱۳۶۳) به ثبت رسید، درخواست کرد ادعای مزبور به موجب بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، به عنوان یک ادعای رسمی طبقه بندی گردد و اظهارداشت که خواهان طبق تعریف بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل، یک واحد تحت کنترل تقسیمات فرعی سیاسی ایالات متحده می باشد. (۱) خواننده در پاسخ استدلال نمود که مدارک تسلیمی برای اثبات اینکه خواهان تحت کنترل تقسیمات فرعی سیاسی ایالات متحده بوده، کافی نیست و به تجدید طبقه بندی ادعا اعتراض نمود.

۳ - دیوان طی دستور مورخ ۷ آوریل ۱۹۸۶ (۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۵) ادعای مزبور را یک ادعای رسمی اعلام کرد و به روسای مشترک دفتر دستور داد که آنرا طبقه بندی مجدد نمایند (۲) دیوان طی دستور مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۸۶ (۳ تیرماه ۱۳۶۵) در

(۱) در دادخواست تکمیلی به دلیل اینکه در این فاصله، مبالغی بابت هشت دانشجوی ایرانی دیگر نام برده شده در دادخواست اولیه، پرداخت گردیده، مبلغ ادعا از ۴،۱۵۶/۱۷ دلار به ۷۳۰ دلار آمریکا کاهش یافت.

(۲) بر آن اساس، شماره پرونده از ۱۱۱۲۲ به شماره ب - ۷۲ تغییر کرد.

پاسخ به اعتراضاتی که خوانده مطرح کرده بود، تأیید نمود که تصمیم دیوان دائر بر تجدید طبقه‌بندی ادعاء، یک تصمیم اداری بوده و نه یک تصمیم قضائی.

۴ - پس از تبادل لوایح، دیوان طی اطلاعیه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶ (۲۶ سپتامبر ۱۳۶۵) به طرفین اطلاع داد که نظر به ماهیت ادعاء، دیوان در نظر دارد بر اساس مدارک تسلیمی تصمیم بگیرد، مگر آنکه هر یک از طرفین تا ۱۳ اکتبر ۱۹۸۶ (۲۱ مهرماه ۱۳۶۵) درخواستی جهت تشکیل جلسه استماع ثبت نماید. چون دیوان درخواستی در این مورد از هیچیک از طرفین دریافت نکرده است، لذا براساس مدارک تسلیمی اقدام به اتخاذ تصمیم می نماید.

دوم - صلاحیت

الف - طرفین

۵ - براساس مدارک تسلیمی برای دیوان محرز شده است که خواهان یک موسسه آموزش عمومی است که طبق قانون مصوب مجلس قانونگذاری ایالات آیوا ایجاد شده و ایالت آیوا یکی از تقسیمات فرعی سیاسی ایالات متحده است و بودجه آن از محل وجوه عمومی تامین می شود و یک سازمان دولتی بنام هیئت امنای آیوا، موسسه خواهان را اداره می کند. بنابراین، دیوان خواهان را طبق تعریف بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل تقسیمات فرعی سیاسی "ایالات متحده" می داند.

۶ - خوانده، به عنوان یک وزارتخانه دولت جمهوری اسلامی ایران، آشکارا مشمول تعریف "ایران" مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد.

ب - ادعا

۷ - اکنون که محرز شد که دعوی مطروح، دعوائی بین ایالات متحده و ایران (طبق تعریف بیانیه حل و فصل دعاوی) است، سوالی که باقی می ماند این است که آیا ادعا، طبق الزام بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از «ترتیبات قراردادی (فیمابین ایران و ایالات متحده)، به منظور خرید و فروش اجناس و خدمات» ناشی می شود، یاخیر.

۸ - خواهان اظهار می دارد که ادعا شامل دین ایجاد شده در اثر قراردادی است که وی و خوانده به منظور ارائه خدمات آموزشی به دانشجوی منتخب خوانده، منعقد کرده بودند و استدلال می کند که بدینترتیب ادعا از ترتیبات قراردادی به منظور خرید و فروش خدمات ناشی می شود. خوانده عقد هر قراردادی را با خواهان انکار می کند. دیوان به دلایلی که ذیلا شرح داده می شود، متقاعد گردیده که ترتیبات قراردادی برای خرید و فروش خدمات آموزشی بین خواهان و خوانده وجود داشته و معتقد است که تامین آموزش دانشجویی توسط یک دانشگاه، به مفهوم بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، به منزله خدمت است و چنین خدماتی را می توان یا برای استفاده مستقیم خوانده خریداری کرد، مانند (خدمات مورد بحث در) پرونده ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۱- ۲۹ ب - ۱۲۸ (۱۶ مه ۱۹۸۴ - ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) که در آن دانشجویان، متعلق به دانشکده افسری نیروی دریائی ایران بودند، و یا برای استفاده شخص دیگری، مانند (دانشجوی مورد بحث در) پرونده حاضر. بر این اساس، دیوان مقرر می دارد که طبق بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی به ادعا را دارد.

سوم - ماهیت

۹ - دانشجوی مذکور طی دوره سه ماه پائیز ۱۹۷۶ و دوره سه ماه زمستان ۷۷-۱۹۷۶ و دوره سه ماه بهار ۱۹۷۷ در موسسه خواهان شرکت کرده بود. نامبرده طی سال تحصیلی پائیز ۱۹۷۷ تا بهار ۱۹۷۸ برای اینکه بتواند کار کند، در دانشگاه ثبت نام نکرد و مجدداً در سپتامبر ۱۹۷۸ در موسسه خواهان ثبت نام نمود و در ۴ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳ آذرماه ۱۳۵۷) نامه‌ای به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۲۲ شهریورماه ۱۳۵۷) از وزارت علوم و آموزش عالی (نام سابق خوانده) به متصدی هماهنگی برنامه دانشجویان بورسیه ارائه داد.

۱۰ - خواهان این نامه را به عنوان "یک قرارداد هزینه تحصیلی" تعریف کرده، اظهار می‌دارد که قرارداد مزبور فرم استاندارد بود که خوانده هنگام دریافت خدمات آموزشی از خواهان از طرف سایر دانشجویان ایرانی تسلیم می‌نمود و اضافه می‌کند که با ارائه این نامه و پذیرش دانشجو در برنامه آموزشی وی، قراردادی به منظور خرید و فروش خدمات منعقد گردید، که به موجب آن، خوانده مانند مواقع قبل که دانشجویان با ارائه نامه‌های مشابه پذیرفته می‌شدند، متعهد شد شهریه و سایر هزینه‌های دانشجوی مزبور را بپردازد.

۱۱ - اطلاعیه ثبت نام دانشجو برای سفارت ایران ارسال گردید و خواهان از ژانویه ۱۹۷۹ در هر دوره سه ماهه تحصیلی صورت حساب شهریه و سایر هزینه‌های دانشجو را به سفارت ایران ارسال داشت و سفارت ایران صورتحساب دانشجو را برای چهار دوره سه ماهه تحصیلی سال ۱۹۷۹ بطور کامل پرداخت نمود، لیکن پس از ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۶ دیماه ۱۳۵۸) وجهی بابت حساب دریافت نشده و خوانده صورتحساب مورخ ۳ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۳ دیماه ۱۳۵۸) به مبلغ ۶۷۴/۵۰ دلار و صورتحساب دیگری به تاریخ ۵ مه

۱۹۸۰ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) به مبلغ ۵۵/۵۰ دلار را پرداخت نکرده است. در طول سال ۱۹۸۰، طی صورتحسابهایی که به نشانی سفارت ایران، وزارتخانه خوانده و دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت الجزایر در واشنگتن دی. سی. ارسال گردید، اقدامات متعددی برای وصول بدهی معوقه خوانده بعمل آمد.

۱۲ - خوانده استدلال می کند که تعهدات موضوع این نامه صرفاً "در برابر دانشجو است و هیچ تعهدی در قبال خواهان ایجاد نمی کند. خوانده اظهار می دارد که استفاده دانشجو از این نامه نمی تواند هیچ رابطه قراردادی بین وی و خواهان ایجاد کند و وی مسئولیتی را نمی پذیرد، مگر آنکه "خواهان قبل از نام نویسی دانشجو مراتب را به وی اطلاع داده باشد". [خوانده اضافه می کند که] وزارتخانه به عنوان یک رویه عادی پرداخت شهریه را مستقیماً تعهد کرده بود.

۱۳ - در نامه مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ (۲۲ شهریورماه ۱۳۵۷) گواهی شده است که وزارت علوم و آموزش عالی به دانشجو کمک هزینه تحصیلی اعطاء نموده و این کمک مالی "شهریه و هزینه های دانشگاه" را نیز شامل می شود. نامه مزبور خطاب به "اشخاص ذیربط" بوده و در خاتمه آن قید شده است که:

"این کمک هزینه مشروط به دریافت پذیرش از یک دانشگاه معتبر امریکا می باشد. از دانشگاه مربوط درخواست می شود که صورتحسابهای مربوط به دانشجوی فوق الذکر را به سفارت شاهنشاهی ایران ارسال دارد."

۱۴ - دیوان معتقد است که نامه مزبور به منزله پیشنهادی است توسط وزارت علوم و آموزش عالی برای خرید خدمات به صورت آموزش به دانشجوی مذکور در نامه، از هر "دانشگاه معتبر امریکائی"، و در نامه مزبور بقدر کافی روشن است که خوانده تعهد کرده هزینه خدماتی را که به دانشجوی مذکور در نامه ارائه می شود، پرداخت نماید. این نامه برای دانشجو صادر شده بود تا وی بتواند بدون اینکه خود وجهی پرداخت کند، آن

خدمات را از دانشگاه دریافت نماید. دانشجو با ارائه این نامه به موسسه خواهان، پیشنهاد خوانده را برای خرید چنین خدماتی اعلام کرده است و با وجود اینکه نامه مشخصاً به عنوان آن موسسه نوشته نشده، مندرجات آن مبنی بر اینکه "کمک هزینه مشروط به دریافت پذیرش از یک دانشگاه معتبر امریکائی" است و "درخواست از دانشگاه مربوط جهت ارسال صورتحسابهای دانشجو به سفارت ایران"، خواهان را برای قبول پیشنهاد واجد شرایط می نمود. خواهان وقتی به دانشجو اجازه داد که در برنامه آموزشی وی ادامه تحصیل دهد، بدون آنکه خود وی شهریه و سایر هزینه ها را بپردازد، فی الواقع این پیشنهاد را پذیرفت. دیوان معتقد است که بدینترتیب قرارداد معتبری برای خرید و فروش خدمات منعقد گردید.

۱۵ - دیوان ملاحظه می کند که اطلاعیه ثبت نام دانشجو طی نامه مورخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) به سرپرستی دانشجویان سفارت ایران ارسال گردیده است. این اطلاعیه را بخش فرهنگی و آموزشی سفارت ایران با مهر تأییدی به تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۵ دیماه ۱۳۵۷) مبنی بر اینکه دانشجو کمک هزینه تحصیلی از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت می کند، به دانشگاه عودت داده است. دیوان همچنین ملاحظه می کند که سفارت ایران صورتحسابهای چهار دوره سه ماهه سال ۱۹۷۹ را تماماً پرداخت کرده است. این عوامل نظر دیوان را مبنی بر وجود قرارداد بین طرفین، تأیید می کند.

۱۶ - خواهان مدارکی به صورت ریز نمرات تحصیلی دانشجو و یک شهادتنامه از طرف متصدی هماهنگی برنامه دانشجویان بورسیه ارائه داده که نشان می دهند که دانشجوی مذکور طی سالهای تحصیلی ۱۹۷۶-۷۷ ، ۱۹۷۸-۷۹ ، ۱۹۷۹-۸۰ و ۱۹۸۰-۸۱ به عنوان دانشجوی فوق لیسانس مهندسی بیومدیکال ثبت نام کرده بود. رابطه قراردادی که با پذیرش پیشنهاد خوانده برای خرید خدمات آموزشی توسط خواهان، ایجاد شد،

خوانده را متعهد نمود که هزینه این خدمات را بپردازد. دیوان متقاعد شده است که مبلغ ۷۳۰ دلار از این بابت پرداخت نشده و خواهان نسبت به دریافت آن ذیحق است.

چهارم - بهره

۱۷ - برای جبران کامل مبالغی که خواهان به نظر دیوان طلبکار است، دیوان حکم به پرداخت بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد از تاریخ سررسید پرداخت هر صورتحساب، لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد، صادر می کند.

پنجم - هزینه ها

۱۸ - هریک از طرفین باید هزینه های داورى مربوط به خود را تقبل نماید.

ششم - حکم

۱۹ - به دلایل پیش گفته،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می نماید:

(الف) خوانده، وزارت فرهنگ و آموزش عالی متعهداست مبلغ هفتصد و سی دلار (۷۳۰ دلار امریکا) به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۶۷۴/۵۰ دلار از سوم فوریه ۱۹۸۰ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۸) و نسبت به مبلغ ۵۵/۵۰ دلار از ۵ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۵ خردادماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت وجه را از محل حساب تضمینی به بانک

امین صادر می کند، به خواهان، دانشگاه ایالتی علوم و تکنولوژی آیوا بپردازد.

(ب) هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

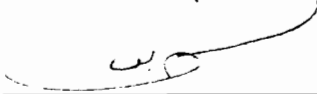
تعهد مزبور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.

لاسه، به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۶ برابر با ۲۵ آذرماه ۱۳۶۵

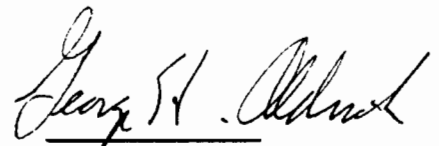


روبرت برینر
رئیس شعبه دو

بنام خدا



حمید بهرامی - احمدی



جرج اچ. آلدريج